

## بررسی قدرت نظامنامه‌ای قوهی مجریه در نظام حقوقی ایران

جمشید سرباز جمشید

کارشناس ارشد حقوق عمومی

### چکیده

هرچند مطابق اصل تفکیک قوا، قانون گذاری به مجالس مقننه و اجرای آن قوانین به عهدهی قوهی مجریه واگذار شده است، اما گاهاً دیده می‌شود که به دلایل گوناگون، به قوهی مجریه اجازهی تصویب قواعد عام‌الشمولی که برای مردم ایجاد حق و تکلیف می‌کند، داده می‌شود. اختیار قوهی مجریه در وضع قواعد کلی عام‌الشمول موجد حق و تکلیف به «قدرت نظامنامه‌ای» قوهی مجریه، شهرت دارد. در نظام جمهوری اسلامی ایران مطابق اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی، قانون گذاری و اعمال قوهی مقننه با مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود. با وجود این، اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی صلاحیت وضع آئین نامه و تصویب نامه را به دولت اعطاء نموده و در واقع قدرت نظامنامه‌ای قوه مجریه را به رسمیت شناخته است.

**کلمات کلیدی:** تفکیک قوا، قوه مجریه، قدرت نظامنامه‌ای، آئین نامه، قانون

### 1- مقدمه

قانون‌گذاری از جمله وظایف مهم و در واقع اصلی‌ترین وظیفه‌ی قوهی مقننه به شمار می‌رود. با وجود آن که مجلس می‌تواند در عموم مسائل، در حدود مقرر در قانون اساسی، قانون وضع کند و صلاحیت مجلس در این باره نامحدود است اما در عمل مجلس توانائی فنی لازم و فرصت کافی برای وضع قانون در تمام جزئیات امور را ندارد و لذا ناچار است این امر را به عهدهی قوهی مجریه بگذارد که نسبت به تعیین جزئیات قوانین مصوب مجلس اقدام کند. در اصطلاح حقوق، قواعد و مقرراتی را که از طرف مقامات قوهی مجریه مانند وزراء، هیأت‌وزیران، استانداران، شوراهای شهر و سایر مقامات اجرائی وضع می‌شود «آئین‌نامه‌ی اداری» می‌نامند. آئین‌نامه‌های اداری همانند قوانین، قواعد لازم‌الاجرائی هستند که برای افراد به طور عام و عینی ایجاد حق و تکلیف می‌کنند و به همین جهت در حکم قانونند و همان آثار حقوق بر آنها مترتب است (طباطبائی: ۱۳۸۵، ص ۱۱۱). صلاحیت قوهی مجریه در وضع آئین‌نامه‌ی اداری و دیگر اسناد حقوقی که برای شهروندان ایجاد حق و تکلیف می‌کند، به «اختیار یا قدرت نظامنامه‌ای» دولت معروف است. قوهی مجریه از طریق این صلاحیت، می‌تواند بسیاری از نیات و سیاست‌های کلان خود را به مرحله‌ی اجرا درآورد. در نظام حقوقی ایران و مطابق اصل ۵۷ قانون اساسی، استقلال قوا به رسمیت شناخته شده است، اما با وجود این، اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی صلاحیت وضع آئین نامه و تصویب نامه را به دولت اعطاء نموده و در واقع قدرت نظامنامه‌ای قوه مجریه را به رسمیت شناخته است. در این نوشته پس از بررسی دلایل وجودی آئین نامه و انواع آن، به احصاء مقامات صالح برای وضع آئین نامه و در نهایت موضوع نظارت بر مصوبات دولتی پرداخته شده است.

### ۲- دلایل وجودی قدرت نظامنامه‌ای

بر اعمال صلاحیت نظامنامه‌ای از دو جهت می‌توان ایراد وارد نمود:

اول آنکه، قوهی مقننه از آن جهت که تمام اعضای آن منتخب مستقیم مردمند، مظهر تمام عیار دموکراسی و حاکمیت ملی به شمار می‌رود و فقط این می‌تواند ارادهی عمومی را از طریق وضع قوانین بیان کند. بنابراین، هیچ نهاد دیگری (من جمله قوهی